

فجاج



نماز جماعت پیرامون کعبه

آیت الله جعفر سبحانی

پیش از حاکمیت وهابیان بر عربستان، هر یک از مذاهب چهارگانه، بخشی از مسجد الحرام را در اختیار داشتند و در آن نماز می‌گزارند؛ به‌گونه‌ای که هر ضلع کعبه، از آن یکی از مذاهب چهارگانه بود و امام هر مذهب، در محدوده خود قرار می‌گرفت و نمازگزاران به وی اقتدا می‌کردند.

پس از آن‌که وهابیان حاکمیت را در دست گرفتند، جایگاه‌های چهارگانه را برچیدند و همه را به یک جایگاه، آن‌هم تنها برای امام حنبلی‌ها تبدیل کردند و از این زمان بود که نماز جماعت در صفوفی به شکل دایره‌ای، پیرامون کعبه برگزار گردید.

این مسأله که در کتاب‌های علمای پیشین آمده و مورد توجه آنان بود، بار دیگر به موضوع بحث میان فقهای ما بدل گردید. پیش از بررسی صحت و سقم دلیل مسأله، به شرح چند موضوع می‌پردازیم:

۱. تاریخ برپایی نماز جماعت دایره‌ای

از نوشته‌های ازرقی در کتاب «تاریخ مکة مکرمه» بر می‌آید: نخستین کسی که صفوف نماز پیرامون کعبه را به صورت دایره تشکیل داد، خالد بن عبد الله قسری بود. او می‌گوید: در ماه رمضان، مردم در بالاترین نقطه مسجد الحرام می‌ایستادند و نیزه‌ای در پشت مقام؛ محل ربوه قرار می‌دادند، در این هنگام، امام در پشت نیزه می‌ایستاد و مردم پشت سر او قرار می‌گرفتند؛ به گونه‌ای که برخی به دلخواه خود همراه امام نماز می‌گزاردند و برخی دیگر مشغول طواف می‌شدند و نمازشان را در پشت مقام اقامه می‌کردند. این روند ادامه داشت تا این که خالد بن عبدالله قسری از سوی عبد الملک بن مروان، حاکم مکه شد. خالد در ماه رمضان به ائمه جماعت دستور داد تا جلو بروند و در خلف مقام نماز بگذارند؛ به این ترتیب خالد بن عبدالله قسری، صفوف پیرامون کعبه را به صورت دایره، مرتب کرد و این بدان جهت بود که قسمت بالایی مسجد، گنجایش جمعیت را نداشت و همین امر خالد را به چنین اقدامی وا داشت.

به خالد گفتند: طواف را به خاطر مسأله‌ای غیر واجب، قطع می‌کنی؟! وی در پاسخ ایشان گفت: برای حل این مشکل، مردم در فاصله هر دو ترویج، هفت بار طواف کنند. پس مردم در فاصله دو ترویج، طواف هفتگانه به جا می‌آوردند.

همچنین گفته شد: افرادی از نماز گزاران یا غیر آنان، در انتهای کعبه و پیرامون آن هستند که از پایان طواف آگاهی ندارند و به همین خاطر خود را برای اقامه نماز آماده می‌کنند، برای حل این مشکل چه باید کرد؟ خالد به خادمان کعبه دستور داد: فریاد تکبیر سر دهند و بگویند: «الحمد لله و الله اکبر» و هر گاه در طواف ششم به رکن اسود رسیدند میان دو تکبیر، سکوت کنند؛ یعنی الله اکبر را بلافاصله بعد از الحمد لله نگویند تا مردم حاضر در حجر و اطراف مسجد الحرام؛ اعم از نماز گزاران و غیر آنان، از آمادگی لازم بر خوردار شوند و از قطع شدن تکبیر متوجه پایان طواف گردند. از آن پس، نماز گزاران، نمازشان را کوتاه و مختصر به جا می‌آوردند و پس از آن، بار دیگر ندای تکبیر سر می‌دادند تا طواف هفتگانه به پایان رسد و یکی از حضار با گفتن «الصلاة رحمکم الله» مردم را از آغاز نماز بعدی آگاه می‌کرد.

ازرقی می گوید: وقتی عطاء بن ابی رباح، عمرو بن دینار و دیگر عالمان این منظره را می دیدند، به آن اعتراض نمی کردند.

ازرقی به نقل از ابن جریج می نویسد: از عطا پرسیدم: اگر مردم حاضر در مسجد الحرام اندک باشند، آیا ترجیح می دهی نماز را در پشت مقام بخوانند و صف واحدی را پیرامون کعبه تشکیل دهند؟

وی گفت: آری، ترجیح می دهم صف واحد باشد و آنگاه این آیه را تلاوت کرد:

﴿وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ...﴾^۲

از سخنان ازرقی برداشت می شود که گنجایش اندک مسجد الحرام در هنگام نماز تراویح، دلیل اقامه دایره وار نماز پیرامون کعبه بوده و پیش از وی سابقه نداشته است. گفتنی است: عبدالملک در سال ۶۵ هجری، پس از درگذشت پدرش مروان بن حکم، زمام خلافت را به دست گرفت و در سال ۸۶ هجری از دنیا رفت.

از آنجا که در دوران خلافت عبدالملک بن مروان مکه مکرمه در اختیار عبدالله بن زبیر بوده و این شهر تا زمان قتل عبدالله بن زبیر (در سال ۷۳ قمری) از دسترس عبدالملک به دور بود؛ بنابراین، نماز جماعت به حالت دایره ای پیرامون کعبه، در سال های ۷۳ تا ۸۶ قمری برگزار شده و در صورت آگاهی از تاریخ حکمرانی خالد بن عبدالله قسری، تاریخ دقیق برگزاری نماز استادهای نیز روشن می شد.

۲. نخستین عالم شیعی که به موضوع نماز استادهای پرداخت

پیش از ابن جنید، هیچ یک از علمای شیعه به این مسأله نپرداخته اند و او براساس اطلاعات ما نخستین کسی است که این مسأله را مورد بحث قرار داده است. علامه به نقل از وی گفته است: ابن جنید گوید: هرگاه امام در مسجد الحرام نماز بگذارد، نماز گزاران پیرامون کعبه می ایستند؛ به گونه ای که امام از همه آنها به کعبه نزدیک تر است. علمای ما این مطلب را نگفته اند و احتمال درست تر آن است که همگان پشت سر امام بایستند.^۳

بر این اساس و به رغم اختلاف موجود در مورد شرط ملاک تأخر مأموم از امام و یا عدم تقدم او بر امام، این است که فاصله مکانی مأموم با کعبه بیش از فاصله مکانی امام با کعبه باشد؛ بنابراین، اقامه نماز به صورت دایره البته با رعایت این شرط جایز می باشد.

برای نمونه، اگر امام در برابر مقام ابراهیم بایستد، فاصله او با کعبه تقریباً دوازده متر خواهد بود؛ بنابراین، لازم است فاصله مکانی کاملاً دایره‌ای، بیش از این مقدار باشد تا قرار گرفتن مأموم در پشت سر امام و یا به عبارتی عدم تقدّم مأموم بر امام محقق شود. در ادامه خواهیم گفت که این شرط نه در همه موارد بلکه تنها در برخی موارد، محقق می‌شود.

هیچ یک از علمای پس از ابن جنید تا عصر علامه حلی این مسأله را مورد توجه قرار نداده‌اند و کتاب‌های شیخ طوسی و علمای بعد از وی، همانند ابن براج، ابن زهره، ابن ادریس، محقق و دیگران، اشاره‌ای به این مسأله نکرده‌اند. اکنون به نقل گفته‌های دیگران می‌پردازیم:

۳. نقل گفته‌های دیگر عالمان

علامه می‌گوید: نماز گزاری که در بیرون کعبه است و آن را می‌بیند، می‌تواند به دلخواه خود در مقابل هر یک از دیوارهای کعبه بایستد. این مسأله در مورد نماز گزارانی که در حکم بیننده هستند نیز صدق می‌کند. حال اگر تعداد نماز گزاران زیاد باشد و آنها در صدد اقامه نماز جماعت باشند، نماز دایره وار آنان پیرامون کعبه دارای اشکال است اما اگر نماز را فردای اقامه کنند، اشکالی متوجه مسأله نیست.^۴

به نظر می‌رسد علامه و ابن جنید وجه اشکال را یکسان ندانسته‌اند؛ زیرا ابن جنید وجه اشکال را در این می‌بیند که برخی مواقع، مأموم جلوتر از امام قرار می‌گیرد و به همین خاطر معتقد است که اگر فاصله مکانی کعبه با مأموم، بیش از فاصله مکانی کعبه با امام باشد، اقامه نماز به صورت کاملاً دایره وار جایز است.

در حالی که علامه وجه اشکال را در مسأله «تقابل» جستجو می‌کند؛ زیرا که مأموم در قسمت نیم دایره، در مقابل امام قرار می‌گیرد و این مسأله‌ای غیر عادی است.

پس تنها در یک جهت است که مأموم پشت سر امام و یا همراه او می‌ایستد و در قسمت نیم دایره، رو در روی امام قرار می‌گیرد و این مسأله‌ای غیر متعارف است.

علامه در «منتهی» این موضوع را به صراحت بیان کرده، می‌گوید: اگر امام در مسجد الحرام به طرف یکی از جهات کعبه نماز بگزارد و مأمومین به صورت دایره، پیرامون کعبه بایستند، تنها نماز آن دسته از مأمومان صحیح است که پشت سر امام ایستاده‌اند و بر خلاف

دیدگاه شافعی و ابوحنیفه، تفاوتی نمی‌کند که فاصلهٔ مأمومین حاضر در سمت دیگر کعبه، از فاصلهٔ امام با کعبه کمتر باشد یا بیشتر.

دیدگاه ما: ایستادن مأموم در کنار امام یا پشت سر او، تنها در یک جهت و یک سوی کعبه امکانپذیر است. بنابراین، نماز مأمومین حاضر در جهت مقابل، باطل است؛ چرا که آنها رودر روی امام قرار می‌گیرند و نمازشان باطل می‌شود.^۵

عبارت کسی که تقابل مأموم و امام و نه جلوتر بودن مأموم را وجه اشکال می‌داند، در حکم صریح است؛ چنانکه به صراحت می‌گوید:

«زیرا آنها در روبه‌روی امام قرار می‌گیرند.»

از آنچه نقل کردیم مشخص می‌شود که مشکل نماز دایره‌ای ریشه در دو چیز دارد:

۱. لزوم جلوتر بودن مأموم از امام در برخی موارد.

۲. برابر هم قرار گرفتن امام و مأموم در برخی حالات.

از نوشته‌های شهید اول در کتاب «البیان» چنین بر می‌آید که وی جنبهٔ نخست را مانع صحت نماز دایره‌ای می‌داند و می‌گوید: اگر نماز جماعت را به جا آورند، می‌توانند به صورت دایره‌ای گرداگرد کعبه بایستند و نباید فاصلهٔ مأموم با کعبه کمتر از فاصلهٔ امام با آن باشد.

همچنین از نوشته‌های وی در کتاب «دروس» نیز مشخص می‌شود که مانع را، همان مانع یاد شده در «البیان» می‌داند و می‌گوید: نباید مأموم با عقب خود، جلوتر از امام قرار گیرد و سجدگاه او اهمیتی ندارد مگر در مورد آن دسته از مأمومین که دایره وار پیرامون کعبه نماز می‌گزارند، به گونه‌ای که مأموم از امام به کعبه نزدیکتر نیست.^۶

وی در کتاب «الذکر» نوشته است:

«لو استطال صف المأمومین مع المشاهدة حتی خرج عن الكعبة، بطلت صلاة الخارج، لعدم أجزاء الجهة هنا. و لو استداروا صحَّ، للإجماع علیه عملا في كلِّ الأعصار السالفة. نعم، يشترط أن لا يكون المأموم أقرب إلى الكعبة من الإمام.»^۷

«اگر صف مأمومین با رعایت مسألهٔ مشاهده، طولانی نشود و تا خارج

کعبه گسترش یابد نماز مأمومین حاضر در خارج کعبه باطل می‌شود؛ چرا که در این حالت، جهت، کفایت نمی‌کند، اما اگر نماز را دایره وار اقامه کنند صحیح است؛ چون در دوره‌های گذشته، این موضوع به صورت عملی، مورد اجماع قرار گرفته است. البته به شرط آن‌که مأموم از امام به کعبه نزدیکتر نباشد.»

از این مطالب در می‌یابیم که شهید اول، علت اشکال را در تقدّم مأموم بر امام جستجو می‌کند، لذا این شرط را مطرح می‌کند که مأموم از امام به کعبه نزدیکتر نباشد.

اما اگر نماز را دایره وار اقامه کنند صحیح است؛ چون در دوره‌های گذشته، این موضوع به صورت عملی، مورد اجماع قرار گرفته است. البته به شرط آن‌که مأموم از امام به کعبه نزدیکتر نباشد.

از گفته‌های شهید ثانی چنین برمی‌آید که وی نیز علت اشکال را تقدّم مأموم بر امام در نماز دایره‌ای می‌داند. وی می‌گوید:

این سخن محقق که: «و لا يجوز أن يقف المأموم قدام الإمام»^۱ بدان معناست که هنگام ایستادن، پاها در یک خط مساوی قرار گیرند... وی افزوده است:

«و أما في حال الركوع فظاهرهم أنه كذلك، و أنه لا اعتبار بتقدم رأس المأموم. وكذا حال السجود و التشهد، فيجوز تقدم رأس المأموم على رأسه، لكن يستثنى منه ما لو كانت الصلاة حول الكعبة، فإنه لا يجوز أن يكون مسجد المأموم أقرب إليها.»

«به نظر می‌رسد که در حال رکوع نیز همین قاعده مورد پذیرش علماست و جلوتر بودن سر مأموم اهمیتی ندارد. در حال سجده و تشهد نیز همین امر صدق می‌کند؛ بنابراین، جایز است سر مأموم، جلوتر از سر امام

باشد، اما اقامه نماز پیرامون کعبه از این قاعده مستثنا است؛ زیرا جایز نیست سجدهگاه مأموم از سجدهگاه امام به کعبه نزدیکتر باشد.»^۹

محمد بن علی عاملی جبعی (صاحب مدارک الأحکام)، نوه دختری شهید ثانی، هر دو اشکال را مورد اشاره قرار داده است؛ به گونه‌ای که ابتدا سخنان ابن جنید و شهید اول در «الذکر» را، که حاکی از تأکید بر اشکال نخست است، ذکر نموده و آنگاه گفته‌های علامه در «تذکره» و «منتهی» را که بیانگر اشکال دوم می‌باشد، نقل کرده است. نوه وی در پایان سخن خود می‌نویسد:

«و لم أقف في ذلك على رواية من طرق الأصحاب. و المسألة محل تردد، و لاریب أن الوقوف في جهة الإمام أولى و أحوط.»^{۱۰}
«من در این مورد از طریق اصحاب به هیچ حدیثی برخورد نکرده‌ام و مسأله، محل تردید است اما شک ندارم که ایستادن در جهت امام، بهتر و به احتیاط نزدیکتر است.»

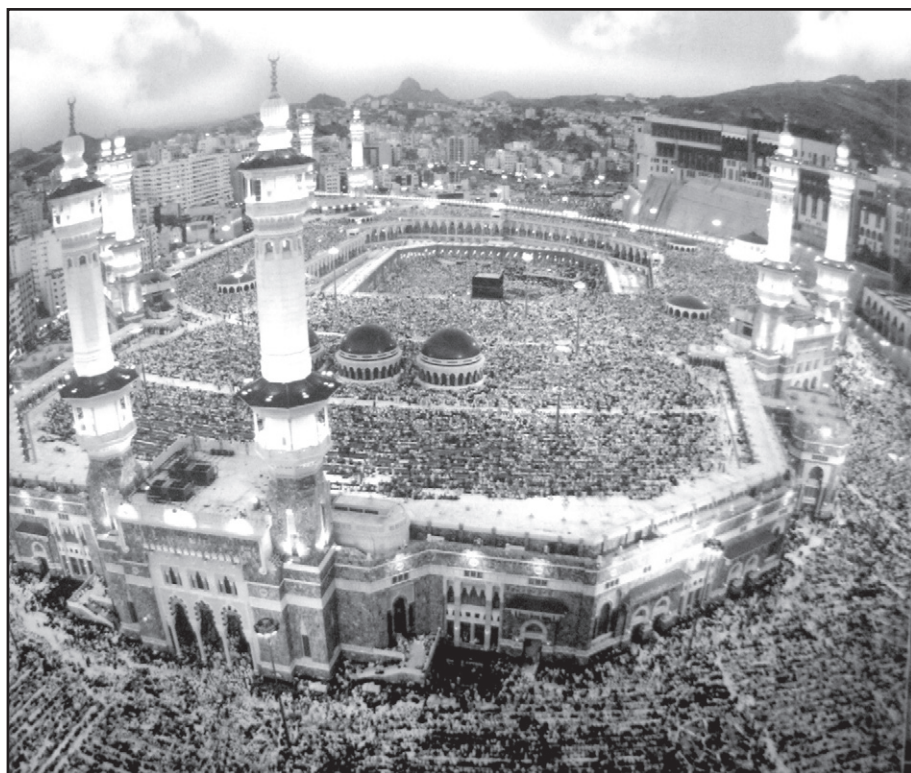
شیخ بزرگ، کاشف الغطا، تنها اشکال نخست را مورد توجه قرار داده و می‌نویسد:
«و حول الكعبة يصح الدوران في الصف، و مقابلة الوجوه الوجه، بشرط أن تكون الفاصلة من جانب المأمومين أوسع.»^{۱۱}
«تشکیل صف به شکل دایره، در پیرامون کعبه و روبه‌روی هم قرار گرفتن امام و مأموم، اشکالی ندارد، به شرط آن‌که فاصله مأمومین با کعبه، بیش‌تر از فاصله امام با کعبه باشد.»

در آینده، به میزان فاصله میان امام و کعبه و نیز میان کعبه و مأموم، خواهیم پرداخت. در این مورد، سخنان دیگری نیز از سوی علما و فقهای گذشته و معاصر، مطرح شده که شاید در ضمن استدلال به حکم این مسأله، به برخی از آن سخنان اشاره شود.

۴. اصل در مسأله چیست؟

اصل در این مسأله فساد است مگر آنکه نشانه و دلیلی به خلاف آن گواهی دهد؛ چراکه عبادات، اموری توقیفی هستند که عقلاً هیچ نقشی در آن ندارند. بنابراین، اگر انجام کاری

به وسیله فردی خاص، محل شک و تردید باشد، اصل بر فساد است. به عبارت دیگر، مشروعیت عبادات، امری توقیفی است؛ به طوری که هر آنچه که مشروعیت آن محرز گردد مشروع است و هر آنچه مشروعیتش محل شک و تردید باشد ممنوع است. در این مورد، می‌توان به روی هم گذاشتن دست‌ها (نهادن دست راست بر روی دست چپ و به عبارتی، تکتف) در حال نماز اشاره کرد؛ زیرا نماز، دو مصداق دارد؛ یکی اقامه نماز به حالت انداختن دست‌ها و آویختن آن‌ها و دیگری اقامه نماز در حالت گذاشتن دست راست بر روی دست چپ. شک و تردید در مورد جواز حالت دوم به خودی خود، نشان می‌دهد که این حالت، بدعتی است که نماز را باطل می‌کند و در چنین جایی، اصل بر فساد است.



ممکن است برخی در چنین جایی اصل را بر صحّت بگذارند و بگویند: نماز جماعت در حقیقت خود، موازی با واجب تخیری و در عرض آن است و این مسأله از مبطلات اصل نماز محسوب نمی‌شود. بنابراین، بحث بر سر دو چیز است؛ یکی «فرادی بودن واجب» و «مطلق جماعت» و دیگری «فرادی بودن واجب» و «جماعت مقید به استداره‌ای نبودن صفوف نماز». در اینجا باید گفت که مقتضای اصل، براءت از این تقيید است.^{۱۲}

اشکال تصوّر بالا این است که در اینجا به ماهیت نماز دستور داده شده و نماز فرادی و جماعت، از مصادیق این واجب به شمار می‌آیند. بنابراین، انتخاب یکی از دو مصداق، نه شرعی که عقلی است. بنابراین، علت شک و تردید به سقوط ماهیت با فرد خاص برمی‌گردد و اصل، خلاف این را می‌رساند؛ زیرا قاعده اشتغال به قوت خود باقی است تا امتثال ثابت گردد.

و خلاصه، باید گفت: اگر ماهیت یک واجب، دارای مصادیق متعدّد باشد و انجام (و امتثال) برخی از مصادیق، به طور یقین ثابت شود و امتثال برخی دیگر، محل تردید باشد، در این حالت، مقام مورد نظر، محکوم به اشتغال است؛ چرا که از قبیل شک در سقوط محسوب می‌شود؛ بنابراین، اگر خداوند دستور دهد که نجاست با آب تطهیر می‌شود و صحّت تطهیر با آب گوگرد محل تردید باشد، تا زمانی که یک اطلاق لفظی حاکم بر اصل وجود نداشته باشد، اشتغال پا برجا و ثابت است.

آیت الله حکیم رحمته الله با بیان دیگری مطالب فوق را ذکر نموده و می‌گوید:

«تارة يكون الشك في الصحة حدوداً، و اخرى: يكون فيها بقاءً؛ فإن كان الأول فالمرجع أصالة عدم انعقاد الجماعة، لأن انعقادها إنما يكون بجعل الإمامة للإمام من المأموم في ظرف اجتماع الشرائط، فإذا شك في شرطية شيء مفقود، أو مانعية شيء موجود - للإمام أو المأموم أو الائتتمام - فقد شك في الانعقاد، الملازم للشك في حصول الإمامة للإمام و المأمومية للمأموم، و الأصل العدم في جميع ذلك و بعبارة أخرى: الشك في المقام في ترتب الأثر على الجعل المذكور و مقتضى الأصل عدمه».

«گاهی شک در مورد صحّت جماعت، شک حادث است و گاه، شک باقی؛ در حالت نخست، «اصل عدم انعقاد جماعت» ثابت است؛ زیرا انعقاد جماعت، تنها از طریق «تعیین امامت» است برای امام از سوی مأموم و در صورت فراهم بودن همه شرایط، انجام می‌پذیرد. بنابراین، اگر شرطیّت چیز معدوم یا مانعیّت چیز موجود برای امام یا مأموم، یا اصل اقتدا محلّ شک و تردید باشد، انعقاد همراه با تردید درباره تحقق امامت برای امام و تحقق مأمومیت برای مأموم نیز مورد شک قرار می‌گیرد و در همه این موارد، اصل بر عدم است؛ به عبارت دیگر در این مقام، ترتیب اثر دادن به «تعیین مذکور» محلّ شک و تردید است و مقتضای اصل، بر عدم می‌باشد.»^{۱۳}

شاید تصور شود که اصل عملی، محکوم اطلاعات وارده در نماز جماعت است؛ زیرا مقتضای اطلاعات وارده در نماز جماعت، این است که تأخر و یا عدم تقدّم مأموم بر امام، به عنوان شرط مطرح نشود. نتیجه نهایی تصور فوق این است که اگر نماز تنها در یک جهت و تنها در یک خط مستقیم انجام پذیرد، باید تأخر یا عدم تقدّم مأموم بر امام به عنوان شرط رعایت شود، اما اگر نماز دایره وار در همه جهات (چهارگانه)، امکان پذیر باشد، اطلاعات مطرح شده در مسأله جماعت، محکم و پابرجاست و هیچ چیز نه تقدّم و نه تأخر به عنوان شرط، مطرح نیست.

ایراد وارده به تصور پیش گفته این است که: مقصود از اطلاعات در این مقام چیست؟ آیا مقصود تأکیدهایی است که درباره استحباب آن در فریضه ذکر شده؛ همان که حرّ عاملی بابتی را با عنوان «باب استحباب مؤکد جماعت در فرایض» به این موضوع اختصاص داده است؟ روشن است که اطلاعات یاد شده در مسأله استحباب، در صدد بیان شرایط جماعت نیست و همه روایات وارد در مسأله «تشویق جماعت» مانند این سخن امیر مومنان علیه السلام است که می‌فرماید:

«مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.»

«هر کس ندای جماعت را بشنود و بی علت از اجابت آن سر باز زند، نماز او پذیرفته نیست.»

یا مقصود از تصوّر بالا این جمله است که:
«أَنَّ أَقْلَ مَا تَتَعَفَّدُ بِهِ الْجَمَاعَةُ اثْنَانِ».

«کمترین تعداد برای اقامه جماعت، دو نفر است»

همانند سخن زراره در این حدیث که:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلَانِ يَكُونَانِ جَمَاعَةً؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَ يَقُومُ الرَّجُلُ
عَنْ يَمِينِ الْإِمَامِ».

«به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا می‌شود که دو مرد تشکیل جماعت دهند؟
حضرت فرمودند: آری، مرد دوم در سمت راست امام می‌ایستد.»^{۱۴}

پس باید گفت که این روایات و مانند آن، مسأله تشریح جماعت و استحباب مؤکد آن
را مورد توجه قرار می‌دهند و در صدد بیان شرایط و اجزا نیستند. بنابراین، نمی‌توان در مورد
شک در باره نفی جزئیت، به آن‌ها استناد کرد.

از آنچه گذشت این دو برداشت به دست می‌آید:

۱. اصل نخستین بر فساد است؛ چرا که آن، از قبیل شک در انجام (امثال) و یا شک در
انعقاد جماعت است.

۲. این اصل، محکوم اطلاقات نیست؛ زیرا در اینجا هیچ اطلاقی در مورد اصل، صدق
نمی‌کند و باید در این مقام به ادله شروط استناد کرد.

اکنون به بیان مسأله می‌پردازیم:

همانگونه که گذشت اشکال این موضوع در دو حالت، خلاصه می‌شود:

الف: اشکال «تقدّم مأموم بر امام در برخی حالات».

ب: اشکال «تقابل مأموم با امام در برخی موارد».

بررسی دو اشکال:

الف: شرطیت عدم تقدّم مأموم بر امام

محقق گوید: «و لا يجوز أن يقف المأموم قدام الإمام»؛ «جایز نیست مأموم جلوتر از امام

بایستد.»^{۱۵}

برای اثبات این امر، به عدم اختلاف علمای شیعه استدلال شده و اجماع یکسان همه علمای پیشین و معاصر، مورد استناد قرار گرفته است. همچنین برخی از علما با صراحت بر این باورند که در عبادت توقیفی باید به افعال یقینی پیامبر ﷺ، ائمه اهل بیت علیهم السلام، اصحاب، تابعین، تابعین تابعین و سیره دیگر مذاهب اسلامی، در همه زمان‌ها و مکان‌ها اکتفا کرد؛ چرا که اطلاعات مطرح شده در غیر این مسأله، نمی‌تواند ابعاد مسأله را روشن نماید.^{۱۶}

ظاهر سخنان محقق، مانند ظاهر سخن دیگران است که می‌گویند: «هیچ‌گونه دلیل لفظی مبنی بر جایز نبودن تقدّم مأموم بر امام وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، به صورت اشاره و تلمیح است، اما عقیده اجماع، همه موارد چه در مسجد الحرام و چه در دیگر اماکن را در بر می‌گیرد.

نمی‌توان گفت: اجماع، دلیلی لَبّی (عقلی) است که در آن به مقدار یقینی یعنی اقامه نماز در جهت واحد اکتفا می‌شود.

این امر می‌تواند از سخنان امام نیز آشکار شود؛ زیرا امام، پیشوایی است که گفتار و کردار او الگوی ما است و لازمه این امر آن است که مأموم، جلوتر از امام قرار نگیرد. به همین خاطر در روایات آمده است: از امام علی علیه السلام پرسیدند:

«اگر مردی امام جماعت گروهی باشد و پس از خواندن یک رکعت از نماز جماعت، بمیرد، تکلیف چیست؟ امام علی علیه السلام فرمودند: باید مرد دیگری را جلو بیندازند تا نماز را ادامه دهد. در این حالت باید میت را در پشت سر خود بگذارند و هرکه او را لمس کرد، غسل کند.»^{۱۷}

به هر حال در هیچ‌یک از حالات یا مساجد، نمی‌توان در مورد شرطیت عدم تقدّم مأموم بر امام، تردید کرد اما جایز نبودن تساوی امام و مأموم، جای بحث و بررسی دارد. اکنون که این مطلب دانسته شد، لازم است محور و ملاک تقدّم (جلوتر بودن امام از مأموم) تبیین شود.

اگر ملاک تقدّم و تأخر، نزدیکتر نبودن مأموم از امام به کعبه باشد، به گونه‌ای که یا در یک خط قرار گیرند و یا مأموم در مقایسه با امام، دورتر از کعبه بایستد. در این صورت، صحّت نماز دایره‌ای ثابت می‌شود، به شرط آن که دایره محل ایستادن امام، همان دایره‌ای نباشد که مأموم بر روی آن ایستاده است و دایره دوم (دایره مأموم) دورتر از دایره نخست

دایره امام) باشد تا از این طریق، فاصله مأموم با کعبه در همه موارد، بیشتر از فاصله امام با کعبه باشد.

این امر از آن جهت است که کعبه، چهار گوش و مستطیل است و اگر دایره ای پیرامون آن کشیده شود، فاصله خطوط این دایره تا کعبه، یکسان نیست بلکه طبیعتاً خطوط موازی با زوایا در مقایسه با خطوط موازی با اضلاع، به کعبه نزدیکترند؛ زیرا کعبه چهار گوش و مستطیل است و همانگونه که در شکل زیر پیداست، ضرورتاً خط موازی با ضلع در مقایسه با خط موازی با زاویه، از کعبه دورتر است.

بنابراین، باید دایره محل ایستادن مأموم از دایره محل ایستادن امام بزرگتر باشد و به عبارت دیگر، در همه نقاط، دورتر از کعبه قرار گیرد؛ زیرا در غیر این صورت همانگونه که از سخنان گذشته پیدا است دورتر بودن فاصله مکانی مأموم با کعبه در مقایسه با فاصله مکانی امام با کعبه، به تنهایی کفایت نمی کند بلکه این فاصله باید در همه موارد رعایت شود و این موضوع در شکل زیر نشان داده شده است.

بنابراین، شرط عدم تقدّم مأموم بر امام باید در همه موارد رعایت شود.

با شرحی که گذشت، روشن می شود که قرار گرفتن مأموم در پشت سر یا کنار امام به حالت دایره پرگاری به تنهایی نمی تواند نزدیکتر نبودن او به کعبه در مقایسه با امام را تضمین کند؛ چرا که کعبه جوانب فراوان دارد. بنابراین، باید دایره محل ایستادن مأموم از دایره محل ایستادن امام بزرگتر باشد؛ به گونه ای که طبق شکل بالا امام در همه حال از مأموم به کعبه نزدیکتر است.

پس اگر معیار و میزان در تقدّم امام و تأخر مأموم، همان محل ایستادن امام باشد، بدون این که نزدیکی یا دوری به کعبه را ملاک قرار دهیم، در این حالت، ایستادن مأموم در همان دایره ای که امام بر روی آن ایستاده، عدم تقدّم مأموم بر امام را محرز می کند و این مسأله نیاز به توضیح ندارد. برای نمونه، اگر افسری به سربازان دستور دهد که به شکل دایره بایستند و آنان نیز دوشادوش و در کنار هم، بر روی یک خط دایره ای بایستند، عدم تقدّم آنها بر یکدیگر محرز است.

صاحب جواهر نیز به همین نکات اشاره می کند و می گوید: احراز ایستادن در پشت سر یا کنار امام، ادعایی است محقق؛ زیرا این دو مسأله (قرار گرفتن در پشت سر یا کنار امام) حتی

اگر دایرهٔ پرگاری مد نظر باشد، در مورد هر یک بر اساس خود آن در نظر گرفته می شود.^{۱۸} از عموم اجماع و اشارات موجود در روایات، چنین برمی آید که ملاک مقدم نبودن مأوم از جایگاه و محل ایستادن امام است و جهتی که نماز گزاران به سوی آن می ایستند، اهمیتی ندارد.

به عبارت دیگر، همهٔ فقها بر این نظریه اند که محل ایستادن امام و مأوم در غیر مسجد الحرام، ملاک تحقق این شرط است. بنابراین، همین ملاک باید در مسجد الحرام نیز رعایت شود و در غیر این صورت، لازم می آید به یکی از دو مورد زیر تمسک شود:

۱. در غیر مسجد الحرام، «محل ایستادن امام و مأوم» ملاک و معیار در نظر گرفته شود اما در مسجد الحرام، ملاک تحقق شرط یاد شده، کعبه باشد؛ یعنی مأوم از امام به کعبه نزدیکتر نباشد.

۲. هر دو مسأله مراعات شود.

مورد نخست معمول نیست؛ زیرا در اینجا دلیلی بر تفاوت میان مسجد الحرام و اماکن دیگر نداریم. مورد دوم موافق با احتیاط است اما رعایت هر دو مسأله، دلیل محکمی می خواهد که در اینجا موجود نیست.

از آنچه گذشت، روشن می شود که مشکل تقدّم مأوم بر امام در نماز دایره ای البته در صورت ملاک قرار دادن محل ایستادن امام یا در اصل وجود خارجی ندارد و یا این که در برخی دایره ها بروز پیدا می کند و در برخی دیگر خیر.

ب: اشکال تقابل (در برابر هم قرار گرفتن امام و مأوم)

اشکال دوم در نماز استداره ای، تقابل است؛ یعنی مأوم به جای آن که در پشت سر یا کنار امام باشد، در برابر او قرار می گیرد. در حالی که تقابل و رو به رو بودن امام و مأوم، در نیمهٔ دوم دایره، آشکارا دیده می شود و این مسأله ای است غیر معمول. از همین رو است برخی از کسانی که این مسأله را جایز شمرده اند، شرط کرده اند که امام و مأوم به یک سو، رو کنند؛ زیرا اگر این مسأله به طور مطلق، جایز شمرده شود، لازم می آید که نماز جماعت متقابل (رو در رو) در داخل کعبه جایز باشد و چهرهٔ امام و مأوم در برابر همدیگر قرار گیرد، اما چنین تقابلی را نمی توان به رسمیت شناخت.^{۱۹}

باید گفت این اشکال، شایسته تأمل است و دلایل جایز بودن اقامه نماز جماعت، به فرد شایع مربوط می شود اما اطلاق ادله به فرض موجود بودن ربطی به این فرد نادر ندارد. ممکن است گفته شود: از آن زمان که کعبه به دست پیامبر خدا ابراهیم علیه السلام بنا گردید، شکل هندسی مسجدالحرام به صورت دایره ای بود؛ زیرا طواف کعبه که خداوند عزّ و جلّ در آیه **﴿وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾**^{۲۰} از زبان ابراهیم خلیل، آن را مورد تأکید قرار داده است بر دایره ای بودن مسجدالحرام صحه می گذارد. درست است که اقامه نماز به شکل دایره ای، در برخی موارد مستلزم تقابل و رو به روی هم قرار گرفتن امام و مأوم است اما آیا مطالب یاد شده از قراین جایز بودن اقامه نماز جماعت دایره ای محسوب نمی شود؟

در پاسخ باید گفت: شکی نیست که طواف دایره ای صورت می پذیرد اما نشانه ای در دست نیست که ثابت کند مسجدالحرام در عصر ابراهیم علیه السلام به شکل دایره بنا نهاده شده است و حتی اگر چنین باشد دلیل جایز بودن نماز جماعت به صورت دایره ای به شمار نمی آید. تا اینجا دو اشکال از اشکالات یاد شده در کلام فقها، بررسی گردید، اما اشکال سوّمی نیز وجود دارد و آن این که:

ج: نباید حائلی میان امام و مأوم قرار گیرد

از شرایط صحت نماز جماعت این است که در میان امام و مأوم، حائلی مانع از دیدن امام نشود.

محقق می گوید: اگر در میان امام و مأوم حائلی باشد که مانع از دیدن امام گردد، نماز جماعت صحیح نیست.

صاحب جواهر می گوید: به نظر می رسد این مسأله مورد اجماع است و در «الذخیره»، «صریح الخلاف»، «المنتهی» و «المدارک» به آن اشاره شده است.

روایت صحیح زواره از امام باقر علیه السلام این مطلب را تأیید می کند. در این روایت آمده است: «اگر قومی نماز بگذارند و میان آن ها و امام حائلی غیر قابل عبور قرار گیرد، آن امام صلاحیت امامت آن ها را ندارد و هر صنفی که افراد آن به امام جماعت اقتدا کنند و میان آن ها و صف جلو، حائلی غیر قابل عبور باشد، نمازشان صحیح نیست؛ اگر در میان نمازگزاران، پوشش یا دیواری باشد، نمازشان صحیح نیست مگر کسانی که از حائل های در باشند.»

زراره می گوید: امام علیه السلام فرمودند: «این حجله‌ها در هیچ زمانی وجود نداشته‌اند بلکه جباران آن را به وجود آورده‌اند و نمازگزارى که در پشت این حجله‌ها بایستد و به امام حاضر در داخل این حجله‌ها اقتدا کند، نمازش صحیح نیست.»^{۲۱}

علت اشکال این است که کعبه معظمه به عنوان حائل در میان امام و بسیاری از مأمومین حاضر در نیمه دوم دایره، عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که این دسته از مأمومین، امام را نمی‌بینند.

می‌توان گفت: مشاهده امام از سوی همه مأمومین، ضرورتی ندارد بلکه مشاهده برخی از مأمومین به رغم تعدد واسطه‌ها کفایت می‌کند.^{۲۲}

مأمومی که در نیمه دوم دایره است، امام را نمی‌بیند؛ زیرا کعبه در میان آن‌ها حایل می‌شود، اما می‌توان گفت که مأموم، امام را از راه واسطه می‌بیند. این وضعیت، قابل مقایسه با نماز امام در حجله نیست؛ زیرا حجله مسجد به گونه‌ای بوده که مانع از ورود دیگران می‌شده و امام به هیچ وجه قابل مشاهده نبوده بلکه مأمومین تنها از طریق مکبر از رکوع و سجود او مطلع می‌شده‌اند.

علاوه بر این، دلایل عدم وجود حائل، شامل این نوع حائل نمی‌شود؛ چرا که ماهیت نماز جماعت در کعبه، چنین حائلی را به وجود آورده است.

تا اینجا اشکالات سه گانه مربوط به نماز جماعت استداره‌ای را بررسی کردیم و دانستیم که اشکال دوم از اشکال نخست و سوم، قوی‌تر است: بنابراین، احوط آن است که در اقامه نماز جماعت دایره وار، طوری عمل شود که هیچ کدام از موانع سه گانه به وجود نیاید.

استدلال به سیره در اثبات صحت نماز جماعت دایره‌ای:

برخی از فقها، برای اثبات صحت نماز جماعت به حالت دایره‌ای، به سیره استناد کرده‌اند. سرآمد این فقها شهید اول است که در کتاب «الذکری» می‌نویسد: نماز جماعت دایره وار، صحیح است؛ چرا که در همه دوران‌های گذشته، اجماع عملی در این مورد وجود داشته است.^{۲۳} در تأیید سیره چنین گفته‌اند که اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام فتح مکه، ده هزار نفر و بلکه بیشتر بوده‌اند. پس چگونه توانسته‌اند نماز را به صورت خط مستقیم در مسجد الحرام اقامه کنند؟

بالاتر این که تعداد همراهان پیامبر ﷺ در حجّة الوداع به صد هزار نفر می‌رسید. و امامان شیعه اعتراضی به این سیره نکرده‌اند و این عدم اعتراض، بهترین دلیل پذیرش آن، از سوی ائمه علیهم‌السلام، محسوب می‌شود.^{۲۴}

در نقد دیدگاه بالا باید گفت: تمام آنچه در مورد سیره گفته‌اند، از عدم آگاهی به تاریخ «آغاز نماز به شیوه دایره‌ای» نشأت می‌گیرد. دانستیم که خالد بن عبدالله قسری نخستین کسی بود که نماز جماعت دایره‌ای را رواج داد و علت رواج چنین نمازی این بود که کعبه در هنگام برپایی نماز تراویح، گنجایش همه مردم را نداشت. شایان ذکر است که این ملاک (اقامه دایره وار نماز جماعت) در مورد نمازهای یومیه رواج نداشته است.

درست است که مسجدالحرام گنجایش هزاران زائر را به صورت همزمان نداشته اما این امر، دلیل اقامه نماز در مسجدالحرام محسوب نمی‌شود بلکه احتمال دارد که پیامبر ﷺ نماز را در بیرون مسجدالحرام اقامه کرده باشد، به ویژه آن که پیامبر ﷺ در خارج از مکه اقامت داشت. از آن حضرت پرسیدند: چرا در خارج از مکه اقامت گزیده‌ای؟ فرمود: عقیل خانه‌ای در مکه برای ما باقی نگذاشته است.

حقیقت کلام این است که: مسجدالحرام گنجایش فعلی را نداشته و حتی در صورت اقامه دایره وار نماز جماعت توسط پیامبر ﷺ نیز کفاف جمعیت را نداشت.

ابن جوزی در توصیف ساختمان مسجدالحرام می‌گوید: مسجدالحرام، کوچک بود و در پیرامون آن دیواری وجود نداشت، بلکه خانه‌های اطراف، مشرف بر مسجدالحرام بودند و در میان خانه‌ها درهایی وجود داشت که راه ورود مردم نواحی مختلف، محسوب می‌شد. روند مذکور ادامه داشت تا این که محدودیت مکانی مسجدالحرام برای مردم، آشکار شد؛ بنابراین، عمر بن خطاب، برخی خانه‌های اطراف را خرید و آن‌ها را ویران کرد و آنگاه با دیواری کوچک، مسجدالحرام را محصور ساخت. بعدها عثمان بن عفان مسجدالحرام را توسعه داد و برخی دیگر از خانه‌های اطراف را خرید.

ابن زبیر نیز در توسعه مسجدالحرام کوشید؛ به طوری که برخی خانه‌ها را خرید و ضمیمه مسجدالحرام کرد. ولید بن عبدالملک نخستین کسی بود که مسجدالحرام را به اسطوانه‌های مرمرین آراست و آن را با چوب تزئین شده درخت ساج، مسقف کرد. بعدها منصور بخش

شامی مسجدالحرام را توسعه داد و مهدی نیز در همین مسیر گام برداشت. در این دوران، کعبه در کنار مسجدالحرام قرار داشت اما مهدی مایل بود که کعبه در وسط مسجدالحرام باشد. بنابراین، خانه‌های مردم را خرید و به مسجد الحرام افزود و کعبه را در وسط مسجدالحرام قرار داد. توسعه مسجدالحرام در دوره‌های بعد نیز استمرار یافت و این روند تا به امروز همچنان ادامه دارد.^{۲۵}

(۱۳ شعبان المعظم ۱۴۲۸ هجری)

پی‌نوشت‌ها:

۱. زمر: ۷۵ «و فرشتگان را می‌بینی که پیرامون عرش گرد آمده‌اند؟»
۲. ازرقی، تاریخ مکه، ج ۲، صص ۶۵ و ۶۶
۳. مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۹۰
۴. علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۳، ص ۱۰
۵. علامه حلی، المنتهی، ج ۶، ص ۲۵۷
۶. شهید اول، الدروس، ج ۱، ص ۲۲۰
۷. شهید اول، ذکر الشیعه فی أحكام الشریعه، ج ۳، ص ۱۶۱
۸. «جایز نیست مأموم جلوتر از امام بایستد»
۹. مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۸
۱۰. مدارک الأحکام، ج ۴، ص ۲۳۲
۱۱. مرحوم کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ج ۱، ص ۲۶۵
۱۲. مجله فقه أهل البيت (علیهم السلام) شماره ۴۴، صفحه ۹۴، به نظر من این مسأله از سخنان آقای خوئی درباره مسأله شرطیت تأخر مأموم از امام و ناکافی بودن تساوی حقیقی، روشن می‌شود. ایشان می‌گویند: این امر در مقام ما به شکل مذکور، نمود می‌یابد.
۱۳. مرحوم آیت الله حکیم، مستمسک العروه، ج ۷، ص ۲۱۷
۱۴. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۵، باب چهارم از ابواب نماز جماعت.
۱۵. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۲۳
۱۶. الجواهر، ج ۱۳، ص ۲۲۱
۱۷. وسائل الشیعه، ج ۵، باب چهل و سوم از ابواب جماعت، حدیث اول
۱۸. نگاه کنید به جواهر، ج ۱۳، ص ۲۳۰
۱۹. مستمسک العروه، ج ۷، ص ۲۴۸
۲۰. حج: ۲۹ «و طواف کعبه را گرد بیت الحرام بجا آورند.»
۲۱. وسائل الشیعه، ج ۵، باب شصت و دوم از ابواب نماز جماعت، حدیث دوم.
۲۲. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۳، ص ۱۵۹
۲۳. الذکری، ج ۱۶۲
۲۴. محقق اصفهانی، نماز جماعت، ص ۱۳۶
۲۵. ابو الفرج عبدالرحمان بن جوزی، مثير الغرام الساکن الی أشرف الأماكن، ج ۱، ص ۳۵۸